

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۷/۲۶

## چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقش حوزه‌های علمیه در تدوین آن

محسن الویری<sup>۱\*</sup>

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، قم، ایران.

### چکیده

تأسیس مرکزی مستقل برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را باید نقطه عطفی در کلان‌نگری‌های منتهی به سند رسمی در کشور دانست. اهمیت این تصمیم را میتوان در این محورها بیان کرد: چاره‌اندیشی برای اجرایی شدن همه کلان‌نگریهای نظام، ارتقاء سطح پرداختن به تدوین الگو از قوه مجریه یا مجمع تشخیص مصلحت نظام به سطح رهبری نظام، تأسیس یک نهاد ویژه برای پرداختن به این موضوع و جلوگیری از کارهای پراکنده و موازی و ناهمسو، برجسته ساختن نقدهای معرفتی که درباره توسعه به مفهوم غربی مطرح است و استفاده از واژه پیشرفت به جای توسعه، برجسته ساختن ضرورت نگاه کاربردی و واقع‌گرایانه و مبتنی بر شناخت محیط از طریق افزودن قید ایرانی، برجسته ساختن انتظار خاص از حوزه‌های علمیه و زمین‌سازی برای حضور رسمی حوزه به مثابه یک نهاد در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور. چگونگی نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیه در تدوین این الگو، در گرو رسیدن به تصویری روشن درباره چیستی الگوست. اگر بپذیریم که از بین چهار معنای «نقشه راه»، «مدل»، «سرمشق» و «نظریه سیاستی»، واژه «مدل» بیشترین تناسب را با مفهوم «الگو» در عنوان «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» دارد، باید پذیرفت که یکی از الزامات آن تولید پرسش‌ها و

۶۹  
مطالعات الگوی پیشرفت  
اسلامی و ایرانی

محسن الویری  
چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقش حوزه‌های علمیه در تدوین آن

پاسخ‌هایی است که به مثابه مبانی الگو بر تمامی اجزاء و ابعاد آن سایه‌افکن خواهد بود. این مبانی گونه‌های مختلف دارد و یک گونه آن، ناظر به خاستگاه‌های معرفتی و دینی یعنی وجه اسلامیت الگو است. این مبانی معرفتی خود قابل تقسیم به هفت دسته زیر است: مبانی معطوف به تعریف و جایگاه دین، مبانی معطوف به مسائل معرفت‌شناختی، مبانی معطوف به مسائل هستی‌شناختی، مبانی معطوف به مسائل انسان‌شناختی، مبانی معطوف به مسائل جامعه‌شناختی، مبانی معطوف به مسائل پیشرفت و سرانجام مبانی معطوف به مسائل تمدن‌شناختی. هر یک از این محورها، انبوهی از زیرمحورها را در برمیگیرد. نگاهی واقع‌گرایانه به سرمایه‌ها و شرایط کنونی حوزه‌های علمیه، سهم این نهاد را افزون بر توسعه‌گفتمانی و تولید علم در این مسیر، در سه نقش محوری زیر خلاصه می‌کند: تدوین مبانی معرفتی و نظارت بر اشراق و اعمال این مبانی در اجزای الگو و نیز مشورت‌دهی در تدوین دیگر مبانی و لایه‌های الگو. به نظر میرسد مناسبترین قالب برای تحقق این سهم، تأسیس یک دبیرخانه حوزه ای برای مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به منظور تجمیع ظرفیت‌های حوزه است.

**واژگان کلیدی:** الگوی پیشرفت، چیستی، مبانی، حوزه‌های علمیه.

۷۰

مطالعات الگوی پیشرفت  
اسلامی و ایرانی

سال اول ° شماره اول - پاییز ۱۳۹۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان دوران دفاع مقدس، کلان‌نگریهای منتهی به سند رسمی در کشور عملاً وجود نداشته است. روشن است که تدوین قانون اساسی را که به فاصله کمی از پیروزی انقلاب صورت گرفت، باید استثناء کرد. ولی پس از پایان یافتن جنگ، چند تجربه قابل توجه در کشور پدید آمده است که مهمترین آنها را میتوان به شرح زیر برشمرد:

- تدوین برنامه ایران ۱۴۰۰ - این برنامه به مثابه یک برنامه بلندمدت در سال پایانی ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی تدوین شد و در دولت‌های بعد هیچ‌گاه منشأ برنامه‌های میان مدت و کوتاه مدت قرار نگرفت.<sup>۱</sup>

- اهمیت یافتن سیاست‌های کلی نظام پیشنهادی مجمع تشخیص مصلحت نظام و مشخص شدن ساز و کار تدوین آن - با شروع به کار مجمع تشخیص مصلحت نظام در مرحله دوم حیات خود<sup>۲</sup> و بر اساس حکم مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۷ مقام معظم رهبری مفاد بند اول و هشتم اصل ۱۱۰ و مفاد اصل ۱۱۲ قانون اساسی<sup>۳</sup> به ساحت اجرا کشانده شد و به دنبال آن مطالعه در باره سیاست‌های کلی نظام در موضوعات مختلف و ارائه پیشنهاد به رهبر معظم انقلاب به یکی از فعالیت‌های رایج و اصل مجمع تشخیص

۱- برای آگاهی بیشتر درباره این برنامه، ر.ک. طرح تدوین برنامه ایران ۱۴۰۰ ه. ش. (تحقق تمدن اسلامی)؛ پیشنهادی سند اولیه برنامه ایران ۱۴۰۰ ه. ش.، چهارچوب اهداف و سیاست‌های کلان، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶؛ طرح تدوین برنامه ایران ۱۴۰۰ ه. ش. (تحقق تمدن اسلامی)؛ تلفیق نهایی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶ ه. ش. و نیز:

[Vision1404.ir/fa/article18.aspx](http://Vision1404.ir/fa/article18.aspx)

۲- برای تحلیل‌ها و دیدگاه‌هایی درباره مراحل تکامل مجمع تشخیص مصلحت نظام، ر.ک. افتخاری، اصغر، مصلحت و سیاست؛ رویکردی اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴، صص ۴۶۴-۴۷۰؛ ارسطو، محمدجواد، تشخیص مصلحت نظام از دیدگاه فقهی - حقوقی، (برای کانون اندیشه جوان)، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰، صص ۳۳-۳۶.

۳- **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱، ۱۳۶۸، صص ۶۳-۶۶.

مصلحت نظام و دبیرخانه آن تبدیل شد<sup>۱</sup> که نقش مهمی در شکل گیری و تثبیت تجربه کلان‌نگری و سیاست‌گذاری داشت.<sup>۲</sup>

• مشخص شدن ساز و کار تدوین و ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه - ظاهراً نخستین برنامه توسعه کشور بدون سیاست‌های کلی تدوین و ابلاغ شد و سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه نیز پس از تدوین ابلاغ شد و به شکل صوری به ابتدای برنامه افزوده شد ولی از برنامه سوم توسعه به این سو رفته رفته و با ابلاغ به موقع سیاست‌های کلی حاکم بر برنامه، گام دیگری در مسیر کلان‌نگری منجر به سند رسمی در کشور برداشته شد.<sup>۳</sup> انتشار دو جلد مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه<sup>۴</sup>، صرف نظر از داوری‌هایی که در باره سوگیری آن وجود دارد، نشان از ادامه یافتن سیر تکاملی این روند دارد.

۱- تشخیص مصلحت نظام (کلیات، سوابق و عملکرد)، تهیه و تدوین روابط عمومی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران: اداره کل ارتباطات دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، چ ۱، ۱۳۸۱، صص ۹۳-۱۲۴ و برای آگاهی از فهرست سیاست‌های کلی پیشنهادی مجمع در چهارده محور مختلف، ر.ک. همان، صص ۱۳۸ - ۱۳۹ و نیز مجموعه مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، جلد سوم: سیاست‌های کلی، تهیه و تدوین: روابط عمومی دبیرخانه مجمع، تهران: اداره کل ارتباطات دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، چ ۱، ۱۳۸۲

۲- قام معظم رهبری در نامه ابلاغ اولین مجموعه از سیاست‌های کلی و بلند مدت جمهوری اسلامی به قوای سه‌گانه در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۰، تحول در ساز و کار تدوین سیاست‌های کلی نظام را این‌گونه مورد تأیید قرار داده‌اند: «اینک در مرحله جدید از تعیین سیاست‌های کلی نظام و در پی مشورت‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام...»

( <http://www.khamenei.farsi.ir/content-message?id=3055> )

۳- مقام معظم رهبری در نامه مورخ ۱۳۷۸/۲/۳۰ ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله سوم به آقای خاتمی رئیس جمهوری وقت، اظهار داشته‌اند: «لازم میدانم قدردانی و خرسندی خود را از تحول مثبتی که در روند تعیین سیاست‌های کلان پدید آمده ابراز دارم و از همه دستگاه‌های تخصصی و کارشناسی که در رده‌های گوناگون در این امر شرکت کرده‌اند به‌ویژه از مجمع تشخیص مصلحت، هیأت دولت، سازمان برنامه و دبیرخانه مجمع تشخیص تشکر نمایم.»

( <http://www.khamenei.farsi.ir/content-news?id=2946> ) با این حال در قانون برنامه سوم، سیاست‌های کلی حاکم بر برنامه ذکر نشده است. ر.ک. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹-۱۳۸۳، مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۹

۴- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دفتر اقتصاد کلان، مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۸۳

• تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله کشور ۱۴۰۴ - بدون تردید تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله کشور در افق سال ۱۴۰۴ را باید یک نقطه عطف در کلان‌نگری‌های معطوف به برنامه در کشور شمرد. این سند که عمده مطالعات آن در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت گرفت در ۱۳ آبان ۱۳۸۲ رسماً از سوی رهبر معظم انقلاب به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و همزمان به رؤسای سه قوه ابلاغ شد.<sup>۱</sup>

• اندیشه و ساز و کار تدوین سندهای جامع‌نگر مانند نقشه جامع علمی کشور، مهندسی فرهنگی و مانند آن - یکی دیگر از تجربیات کشور در زمینه کلان‌نگری‌های منتهی به سند رسمی تدوین چند سند راهبردی در زمینه‌های مختلف است که شاید بتوان دو نمونه مهم در این زمینه را این گونه نام برد: نقشه جامع علمی کشور که در سال جاری از آن رونمایی شد و دیگری نقشه مهندسی فرهنگی کشور که هم اکنون در دست تدوین است.<sup>۲</sup>

• تأسیس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت - جدیدترین و مهمترین گام در زمینه نهادینه‌سازی کلان‌نگری منجر به تدوین سند رسمی تأسیس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که در باره اهمیت آن نکاتی در همین مقاله بیان خواهد شد.

افزون بر موارد فوق، چندین تجربه خرد و کلان دیگر در کشور مانند راهاندازی کمیسیون حوزوی شورای انقلاب فرهنگی، رواج یافتن فرهنگ تدوین بیانیه مأموریت در سازمان‌ها و نهادهای مختلف، تأسیس مراکز پژوهشی آینده‌نگر، چاپ منابع

۱- برای آگاهی از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب در باره اهمیت سند چشمانداز، ر.ک.

چشم‌انداز برای تحلیلی از سند چشمانداز و نقش آن در تکمیل حلقه مفقوده برنامه‌ریزی‌های کلان کشور، ر.ک. رضائی

میرقائد، محسن، چشمانداز ایران فردا، تهران: اندیکا، ۱۳۸۴، به ویژه صص ۵ - ۷.

<http://farsi.khamenei.ir/search-result?q=10>

۲- برای این دو سند، ر.ک. <http://www.iranculture.org/fa/Default1.aspx>

گوناگون در این زمینه<sup>۱</sup> و راهاندازی چندین رشته تحصیلی معطوف به سیاست‌گذاری وجود داشته است که چون مستقیماً به تدوین یک سند رسمی منجر نشده است، در این‌جا به آن‌ها اشاره نمیشود، ولی در سنجش ظرفیت کنونی کشور برای کلان‌نگریها و سیاستگذاریها باید مد نظر قرار گیرند.

### اهمیت تأسیس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

تجربیات نظام برای کلان‌نگریهای منجر به تدوین سند رسمی که سیر تکاملی هم داشته است، سطح علمی و تجربه کشور را به گونه‌ای چشمگیر و امیدوارکننده افزایش داده است، ولی با این وجود به نظر میرسد هنوز خلأها و کاستیهایی در زمینه سیاستگذاریها و برنامه‌ریزی‌های کلان وجود دارد که شاید مهمترین آن‌ها نبود یک الگوی مشخص و بومی برای نزدیک کردن آرمان‌ها و حتی سیاست‌های کلی به واقعیت بیرونی و مرحله‌اجراء است. مقام معظم رهبری در مقدمه حکم خود برای اعضای مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در تاریخ ۹۰/۳/۲ صادر شده است، فرموده‌اند:

با توجه به عزم جدی برای دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، و لزوم استفاده همه‌جانبه از ظرفیت‌های موجود در عرصه‌های علمی (حوزه‌ای و دانشگاهی) در جهت فراهم‌سازی مقدمات تدوین الگو و توسعه گفتمانی و تولید علم در این حوزه، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تشکیل می‌گردد<sup>۲</sup>.

۱- عنوان نمونه ای از این مراکز و انتشارات آن‌ها به اندیشکده صنعت و فناوری (آصف) به نشانی مراجعه نمایید.

اگر محور اصلی این مقدمه دو چیز باشد؛ یکی اعلام عزم جدی برای دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و دیگری پای فشردن بر لزوم استفاده همه‌جانبه از ظرفیت‌های موجود در عرصه‌های علمی کشور برای به انجام رساندن این عزم، میتوان این تدبیر مقام معظم رهبری را تدبیری مهم، سرنوشت‌ساز و موج‌آفرین در روند کلان‌نگریها و سیاست‌گذاری‌های کشور شمرد. نکات قابل توجه در این تدبیر چنین است:

• چاره‌اندیشی برای مرتبط ساختن همه کلان‌نگریها به سوی اجرایی شدن و تحقق و عینیت یافتن، چرا که این الگو به مثابه کلان‌ترین چارچوب برای لایه‌های مختلف سیاست‌ها و برنامه‌ها عمل میکند.

• ارتقاء سطح پرداختن به این موضوع از قوه مجریه یا مجمع تشخیص مصلحت نظام به سطح رهبری نظام.

• تأسیس یک نهاد ویژه برای پرداختن به این موضوع و جلوگیری از کارهای پراکنده و موازی و ناهمسو.

• برجسته ساختن نقدهای معرفتی که درباره توسعه به مفهوم غربی مطرح است؛ که استفاده از واژه پیشرفت به جای توسعه در همین چارچوب قابل فهم است.

• برجسته ساختن ضرورت دین‌بنیاد بودن الگوی پیشرفت و جوهره اسلامی آن از طریق مقدم داشتن قید اسلامی بودن الگو بر ایرانی بودن آن.

• برجسته ساختن ضرورت نگاه کاربردی و واقع‌گرایانه و مبتنی بر شناخت محیط؛ که افزودن قید ایرانی به الگو نماد آن به شمار میرود. دو قید اسلامی و ایرانی برای الگو، سبب میشود الگو دستی رو به آسمان و دستی رو به زمین، پایی در متون و منابع دینی و پایی در عالم واقع داشته باشد.

• برجسته ساختن انتظار خاص از حوزه‌های علمیه و زمینسازی برای حضور رسمی حوزه به مثابه یک نهاد در سیاستگذاریهای کلان کشور. آن چه در این نوشتار تاکنون ذکر شد، مقدمه ای بود برای بیان همین نکته که تشکیل مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت زمینساز ورود رسمی حوزه به قلمرو سیاستگذاری در سطح نظام است و آنچه از این پس قلمی خواهد شد، در تبیین چگونگی این حضور و ارائه پیشنهادی در این باره خواهد بود.

### چیستی الگو

پیش از توضیح درباره نقش حوزه‌های علمیه در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، لازم است توضیحی کوتاه در باره واژه یا اصطلاح الگو ارائه شود. هر چند معنای محصل و مورد وفاقی در باره الگو وجود ندارد، ولی از مجموع اظهار نظرها میتوان چنین برداشت کرد که الگو به یکی از چهار معنی زیر به کار میرود:

• نقشه راه - پاره ای اظهار نظرها درباره مفهوم الگو به ویژه آن چه بعد از تأسیس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از سوی افراد مختلف ارائه شده است، به گونهای است که الگو را به مثابه یک نقشه راه در نظر گرفته است. از این اظهارات میتوان برداشت نمود، در باور این افراد، الگو مجموعه‌های از برنامه‌های خرد و کلان و زمان مند برای رسیدن به نقطه مطلوب است. روشن است که این نگاه به مفهوم الگو، الگو را در حد یک برنامه و حداکثر یک برنامه بلند مدت تنزل میدهد و به نظر میرسد از ظرفیت کافی برای برآوردن همه آن چه از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت انتظار میرود، برخوردار نیست.



• سرمشق - گاه واژه الگو به معنای نمونه‌ای قابل پیروی به کار میرود. در بسیاری از کاربردهای روزانه و در مواردی مانند الگو بودن معصومان - علیهم‌السلام - و یا الگوی خیاطی و مشابه آن، الگو به همین معنی مورد استفاده قرار میگیرد. این فهم از واژه الگو نیز نمی‌تواند مقصود از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را بنمایاند، چه ما هنوز نمونه‌ی تحقق یافته‌ی برای پیشرفت اسلامی ایرانی پیش رو نداریم تا آن را سرمشق خود قرار دهیم.

• نظریه‌ی سیاستی - مفهوم دیگری که برای الگو در نظر گرفته شده و از سوی برخی صاحب‌نظران و معطوف به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیان شده است، الگو را به مفهوم نظریه‌ی برآمده از کلان نظریه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مانند آن در نظر گرفته است که معطوف به یک یا چند مسأله‌ی اجتماعی است و راهکارهای مداخله‌ی حکومت برای حل آن را پیشنهاد میدهد. به نظر میرسد این دیدگاه نیز برآورنده‌ی مقصود نباشد، زیرا یک نظریه‌ی سیاستی هر چند مبتنی بر پایه‌های معرفتی و روش شناختی ویژه‌ی خود است، اما یک نظریه‌ی سیاستی اصراری بر تولید مبانی معرفتی ویژه ندارد بلکه از دل مبانی معرفتی موجود برمی‌آید و در موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مسأله‌ی اصلی و نقطه‌ی عزیمت بازخوانی مبانی معرفتی موجود متناسب با نیازهای جدید و به گونه‌ای قابل اجراء در شرایط زمانی و مکانی کنونی است.

• مدل - برخی کاربردهای واژه الگو، این واژه را به معنای بازنمود مفاهیم مختلف و رابطه‌ی بین آنها در نظر گرفته است. اصطلاح الگو که از سال ۱۸۷۱م. به مفهومی چندجانبه به کار رفته است اغلب بدون تعریف خاص بوده، ولی اغلب از آن همان مدل

فهمیده می شود.<sup>۱</sup> در این برداشت که بیشتر در پیوند با نظریه‌ها به کار میرود، الگو یک مدل یا نموداری برآمده از نظریه و نشانگر اجزای آن و چگونگی پیوند میان آنهاست. به نظر میرسد این تعریف از الگو واقع‌گرایانه‌ترین برداشت از این واژه متناسب با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد.

روشن است که این تفسیرها و برداشت‌ها در برخی حیطه‌ها، دارای همپوشانی‌هایی هم هست ولی هر یک از آنها یک نقطه کانونی دارد که همان وجه امتیاز آن از دیگر تعریف‌هاست. با توجه به آن چه گذشت، میتوان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را به صورت زیر تعریف کرد:

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یک نمودار بیانگر کلان‌نظریه‌های برآمده از نظریه‌های خرد و بزرگ درباره دین، هستی، انسان، جامعه، طبیعت، تاریخ، تمدن و پیشرفت مبتنی بر آموزه‌های مکتب اهل بیت - علیهم‌السلام - است که بهره‌مند از یافته‌های علوم جدید، برنامه‌پذیر، مورد وفاق نسبی نخبگان و قابل اجراء در ایران در جهت تحقق آرمان‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

اگر این تعریف از الگو پذیرفته شود، باید گفت تدوین آن نیازمند اقدامات تمهیدی گوناگونی است که مهمترین آنها را میتوان به شرح زیر برشمرد:

• تولید پرسش‌های خاص خود - الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تولید کننده پرسش‌هایی است که چه بسا این پرسش‌ها برای دیگر الگوهای توسعه مطرح نباشد.

۱- ابطحی، سید مصطفی، توسعه؛ ابهام مفهومی، مبانی معرفتی و الگوی دینی و بومی، در راهبرد یاس، فصلنامه پژوهشی مؤسسه فرهنگی یاس، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۴، صص ۸۱ - ۱۰۴، صص ۹۷ - ۹۸.

• تولید پاسخ‌های ویژه به پرسش‌های خاص - پرسش‌های ویژه طراحی شده از سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پاسخ‌های ویژه می‌طلبد و الگو باید بتواند این پاسخ‌ها را تولید کند .

• تولید پاسخ خاص به پرسش‌های عام - هر نظریه، مدل و الگویی که داعیه تحقق بخشیدن پیشرفت و توسعه را داشته باشد، باید به پاره‌های پرسش‌ها پاسخ دهد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هم باید پاسخ‌های ویژه خود را به این پرسش‌های عام ارائه دهد.

• تدوین منطق بهره بردن از یافته‌های قابل اعتماد علوم جدید

• مطالعات آمایش سرزمینی ایران

• فراهم ساختن ساز و کار رسیدن به وفاق نسبی نخبگان حوزه و دانشگاه

• تدبیر برای آشکار و متمایز ساختن وجه دینی و اسلامی الگو

### چیستی مبانی الگو

در بین تمهیدات پیشگفته، پرسش و پاسخ‌هایی که در سه بند نخست به آن‌ها اشاره شد به مثابه مبانی برای دیگر اقدامات هستند و بر تمامی اجزاء و ابعاد الگو اثرگذار خواهند بود. مبانی آن دسته از آموزه‌های مصرح در قرآن و سنت صحیح و یا برداشت شده از سوی دین‌شناسان است که توجه به آن در چگونگی دست‌یافتن به یک جامعه پیشرفته مؤثر است و به بیانی دیگر چگونگی دست‌یافتن به یک جامعه پیشرفته در گرو پاسخ به پرسش‌هایی است که در این حیطه مطرح است، بنابراین، ” مبانی ” رویکرد معرفتی

دارد و ناظر به بخش اسلامی در اصطلاح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. دو تلقی مختلف از مبانی میتواند وجود داشته باشد:

• مبانی به مثابه یافته‌های پسینی - وقتی یک الگو تحقق یافت میتوان به واکاوی آن پرداخت و کوشید مبانی آن را کشف و وصف کرد، در این حالت مبانی جنبه وجودی دارد و تنها ناظر به هست‌هاست .

• مبانی به مثابه یافته‌های پیشینی - گاه پیش از تحقق یک الگو میتوان یک سلسله مبانی را برای آن پیشنهاد کرد و کوشید مبانی آن را تعیین و توصیه کرد و آن را نقطه عزیمت تدوین و تحقق الگو قرار داد.

روشن است که در این جا مبانی به مفهوم دوم مورد نظر است. مبانی به این معنی، مشابه و یا معادل مبادی تصویری و تصدیقیه در منطق قدیم است<sup>۱</sup>. مبادی تصویری آن دسته از گزاره‌هاست که به تعریف موضوع و محمول‌ها اختصاص دارد و مهمترین مصادیق آن اصطلاحاتی همچون الگو، پیشرفت، اسلامی و اسلامیت و ایران و ایرانیت است. مبادی تصدیقیه نیز دستهای از اصول و قواعد است که استدلال‌های یک دانش یا بخشی از دانش بر آن ابتناء دارد. البته مبادی تصدیقیه تقسیم‌بندی‌های فرعی دیگری هم دارد که پرداختن به آنها نیازمند فرصت دیگری است. مبانی یک دانش یا یک بحث علمی را به روش‌های مختلفی میتوان به دست آورد که مهمترین آنها سه روش زیر و یا ترکیب و تلفیقی از آنهاست: اجماع نخبگانی، استقرار دیدگاه صاحب‌نظران، تحلیل عقلی.

ساحت‌های سه‌گانه مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۱- به عنوان نمونه، ر.ک. الحلی، الحسن بن یوسف، الجوهر النضید، قم: بیدار، ۱۳۶۳، صص ۲۱۳ - ۲۱۴.

مبانی الگو به مفهومی که گذشت، تنها محدود به جنبهٔ اسلامیت الگو نیست و دیگر ساحت‌های الگو نیازمند تدوین مبانی خاص خود به مفهومی که گذشت، میباشد. شاید بتوان سه ساحت متفاوت را برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظر گرفت که نیازمند تدوین مبانی است:

• مبانی ناظر به خاستگاه‌های معرفتی و دینی: وجه اسلامیت الگو

• مبانی ناظر به محیط اجرای الگو: وجه ایرانیت الگو

• مبانی ناظر به منطق تدوین الگو: وجه روشمندی الگو و ساز و کار علمی آن

### مبانی معرفتی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در این مقاله با توجه به این که قرار است، تأملی دربارهٔ چگونگی نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیه در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح شود، تنها بر مبانی ناظر به خاستگاه‌های معرفتی الگوی که حکایتگر وجه اسلامیت الگوست، تکیه میشود. بر اساس یک تحلیل اندیشه‌ای که همچون هر بحث دیگری قابل نقد و تغییر و اصلاح است، این مبانی را میتوان به هشت دستهٔ زیر تقسیم کرد.<sup>۱</sup> در ذیل از هر یک از دسته‌ها چند نمونه از مهمترین پرسش‌های خاص و عامی که نیازمند پاسخ است، درج شده است:

۱- پاره‌ای از این مبانی نخستین بار در مقالهٔ ارائه شده از سوی «انجمن علمی اسلام و توسعه اقتصادی» به «همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران» به چاپ رسیده است. رک. انجمن علمی اسلام و توسعه اقتصادی، «جایگاه مبانی و ارزش‌های دینی در برنامه‌های توسعه»، در راهبرد یاس، فصلنامهٔ پژوهشی مؤسسه فرهنگی یاس، شمارهٔ دوم، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۰۵ - ۱۵۴

۱. مبانی معطوف به تعریف و جایگاه دین (مراد از دین، دین اسلام است)

• قلمرو این جهانی و آن جهانی دین

• فرمانده بودن دین

• هدایت‌گر بودن دین

• جامعیت دین

• انعطاف‌پذیری دین

• رابطه حق‌الله و حق‌الناس

۲. مبانی معطوف به مسائل معرفت‌شناختی

• سنجش تکثرگرایی معرفتی

• چیستی و تبیین درجات متفاوت فهم دین

• تعریف‌پذیر بودن اسلامیت

۳. مبانی معطوف به مسائل هستی‌شناختی

• تعدد ابعاد و مراتب هستی که انسان با آنها در ارتباط است :

• رابطه انسان با خدا

• رابطه انسان با عالم غیب

• رابطه انسان با معاد

• رابطه انسان با محیط طبیعی

• رابطه انسان با محیط اجتماعی

• رابطه انسان با خود

• رابطه انسان با ابزار و فناوری

- این رابطه‌ها می‌تواند خود از منظرهای گوناگون مورد بررسی قرار گیرد.

• ویژگی‌های عالم هستی

۴. مبانی معطوف به مسائل انسان‌شناختی

• ابعاد، ساحت‌های وجودی انسان

• ویژگی‌های انسان

• پیوند انسان و توسعه یافتگی و پیشرفت

• انسان کامل به مثابه انسان آرمانی

• جایگاه فطرت در شناخت انسان به مثابه موضوع توسعه

• عقل‌گرایی انسان

## ۵. مبانی معطوف به مسائل جامعه‌شناختی

- چیستی جامعه
- رابطه فرد و جامعه و اصالت هر یک از آنها
- تعمیم‌پذیری بایدها و نبایدهای ناظر به افراد به نهادهای اجتماعی

## ۶. مبانی معطوف به مسائل پیشرفت

- جایگاه ابزارزی دنیا در پیشرفت و شمول دامنه توسعه به حیات جاودانه و اخروی انسان‌ها

- تکلیف و حق بودن توأم توسعه‌یافتگی و پیشرفت
- آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی و مصلحت‌گرایی توأم دین
- گوناگونی الگوهای پیشرفت برآمده از دین متناسب با جوامع مختلف
- خردپسندی

- فراگیر بودن نقش‌آفرینی (مشارکت) در فرایند پیشرفت

## ۷. مبانی معطوف به مسائل تمدن‌شناختی

- جامعه موعود مهدوی، نقطه غایی و آرمانی پیشرفت

- ظرفیت جاودانه تمدن‌سازی دین

- نامحدود بودن توسعه‌یافتگی



• جواز و بل ضرورت اخذ و اقتباس تمدنی

هر یک از این محورهای فرعی میتواند به عنوان یک پرسش محوری، موضوع یک یا چند تحقیق قرار گیرد.

### نقش حوزه های علمیه در تدوین الگو

اکنون پس از کوشش برای ارائه تعریفی از چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و مبانی مختلف آن، میتوان درباره نقش حوزههای علمیه در تدوین آن سخن گفت. روشن است که حوزه بر اساس مأموریتی که رهبر معظم انقلاب در آغاز حکم خود برای راهاندازی مرکز تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اعلام کردهاند، وظیفه دارد، برای تدوین الگو در سه محور زیر به فعالیت بپردازد:

• فراهم سازی مقدمات تدوین الگو

• توسعه گفتمانی

• تولید علم

ولی آیا میتوان از حوزه های علمیه انتظار داشت که در همه مسائلی که به تدوین الگو ارتباط می یابد دخالتی هم تراز دانشگاهها و دستگاههای اجرایی داشته باشد؟ پیش از پاسخ به این پرسش، باید به این نکته توجه کرد که مبانی معرفتی که محورهای هشتگانه ذیل آن هم بیان شد به دلیل ریشه داشتن در آموزه های دینی جز از طریق حوزه های علمیه نمیتواند پاسخ درخور بیابد و از دیگر سو، دیگر مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یعنی مبانی ناظر به وجه ایرانییت الگو و روش تدوین الگو در زمره مسائلی است که دانشگاهها، دستگاه اجرایی کشور و کلیه نهادهای پژوهشی غیرحوزه های از ظرفیت های پژوهشی خوبی برای پرداختن به آنها برخوردارند. و

روشن است که این حیطه‌ها با ظرفیت‌های حوزه به‌عنوان یک نهاد و نه از نظر اساتید و پژوهشگران و دروس و تخصصی بودن دانش‌هایی که به این مباحث می‌پردازند، تناسب زیادی ندارد. بر این اساس، میتوان گفت نقش مطلوب حوزه در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین مبانی معرفتی این الگو و البته نظارت بر اشراق این مبانی در همهٔ ساحت‌های و لایه‌های الگوست. نقش حوزه در مبانی معرفتی میتواند و باید نقش مباشر و در دیگر مبانی نقش مشاور باشد. بنابراین به صورت کلی، سهم حوزه را در تدوین مبانی میتوان چنین برشمرد:

• تدوین مبانی:

تولید پرسش‌های خاص

تولید پاسخ‌های ویژه

تولید پاسخ به پرسش‌های عام

• نظارت بر اشراق و اعمال این مبانی در اجزای الگو

• مشورت دهی در تدوین دیگر مبانی و لایه‌های الگو

توصیه به بسنده کردن حوزه به کلیات معرفتی تنها یک پیشنهاد ناظر به وضعیت کنونی حوزه‌هاست و چه بسا در آینده ای نه چندان دور بتوان از این پیشنهاد دست کشید و ورود حوزه به مباحث خرد و جزئی را نیز مورد تأکید قرار داد. ناصر خسرو قبادیانی در سفرنامهٔ مشهور خود وقتی به معره النعمان میرسد، میگوید ابوالعلاء معری که گویی همهٔ شهر بندگان او بودند خود جز در کلیات امور دخالت نمیکرد. این شاهد مثال نه از باب حجیت بلکه از باب یک شاهد تاریخی ذکر می شود:

در آن شهر مردی بود که وی را ابو العلاء معری می‌گفتند، نابینا بود، و رئیس شهر او بود، نعمتی بسیار داشت و بندگان و کارگزاران فراوان، و خود همه شهر او را چون بندگان بودند و خود طریق زهد پیش گرفته بود، گلیمی پوشیده و در خانه نشسته، نیم من نان جوین خود را تبه کرده، (شبانه روز به گرده‌ای قناعت کند) و جز آن هیچ نخورد. و من این معنی شنیدم که در سرای باز نهاده است و نواب و ملازمان او کار شهر می‌سازند، مگر به کلیات، که رجوعی به او کنند. و وی نعمت خویش از هیچ کس دریغ ندارد و خود صائم الدهر قائم اللیل باشد و به هیچ شغل دنیا مشغول نشود. و این مرد در شعر و ادب به درجه‌ای است که افاضل شام و مغرب و عراق مقررند که در این عصر کسی به پایه او نبوده است و نیست.<sup>۱</sup> این وظیفه و نقش آفرینی را به هیچ روی نباید ساده انگاشت. حوزه باید فعالیت‌های زیادی برای اجرای درست این وظیفه مهم خود انجام دهد و زمینه‌ها و زیرساخت‌های مناسب آن را فراهم سازد. حوزه در گام نخست باید کوشش سامانیافتهای را برای بازخوانی میراث خود انجام دهد. میراث بسیار غنی حوزه محدود و منحصر به دانش پیشرفت‌آفرین فقه نیست. به عنوان نمونه در مباحث اخلاقی هم که شاید به نظر برسد ربط وثیقی به تدوین الگوی پیشرفت ندارد و موضوع آن پیراستن خود از رذائل و آراستن خود به فضایل است، حداقل به دو شکل با مباحث الگوی پیشرفت پیوند می‌یابد:

• چگونگی سازگارسازی تربیت فردی انسان متناسب با بایستگی‌های جامعه پیشرفته دینی

• بازتعریف مفاهیمی که گاه درک نادرست از آن‌ها در مسیر پیشرفت و توسعه‌یافتگی مانع ایجاد کرده است؛ مانند توکل، زهد، بیارزش شمردن دنیا، پرهیز از دنیا، ذم دنیا،

۱- ناصر خسرو قبادیانی مروزی، سفرنامه، تهران: زوار، چ ۷، ۱۳۸۱، ص ۱۸

ترک دنیا، قصرالامل، پرهیز از مقام خواهی و منصب طلبی، یاد مرگ، مدح الخمول و الاعتزال، ورع، تقوی، فضیلت حزن، قناعت، صمت، صبر، دعا و از خدا خواستن امور، پرهیز از شهرت.

## یک پیشنهاد اجرایی

درباره ورود حوزه به مثابه یک نهاد به حیطة تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، واقعیات زیر را نباید از نظر دور داشت<sup>۱</sup>:

- کم بودن تجربه حوزه در زمینه مطالعات معطوف به تدوین نظریه های سیاسی - دوباره تأکید میکند که مراد از حوزه، حوزه به مثابه یک نهاد است و نه به اعتبار حوزویان. بی تردید دانش آموختگان، اساتید و فضلاء حوزه به عنوان شخص خود نقش اصلی را در مراحل مختلف انقلاب و نظام جمهوری اسلامی داشته اند، ولی

۱- روشن است که تحلیل دقیق وضعیت حوزه نیازمند یک تحلیل روشمند ارزیابی درونی و بیرونی است و مواردی که در این جا ذکر شده است، مبتنی بر یافته ها و مشاهدات و تجربیات شخصی است. برای آگاهی از روش های ارزیابی عوامل داخلی EFE و ارزیابی عوامل خارجی IFE به عنوان نمونه ر.ک. علیاحمدی و همکاران، نگرش جامع بر مدیریت استراتژیک (رویکردها، پارادایمها، مکاتب، ...)، تهران: تولید دانش، ۱۳۸۲، صص ۲۳۱-۲۳۹ و برای گزیده های از تحلیل ها و بررسیها در باره ظرفیتها و کاستیهای حوزه، به عنوان نمونه، ر.ک. مجموعه مقالات اجلاسیه بررسی نظام آموزشی حوزه، قم: ستاد اجلاسیه بررسی نظام آموزشی حوزه، ۱۳۷۵؛ تحول و بالندگی حوزه های علمیه در چشمانداز مقام معظم رهبری، تنظیم دفتر پیگیری فرامین و مطالبات مقام معظم رهبری از حوزه علمیه، قم: دفتر پیگیری فرامین و مطالبات مقام معظم رهبری از حوزه علمیه؛ مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۷؛ عیسینی، رضا، درآمدی بر الزامات تحول در حوزه علمیه؛ روحانیت؛ تهدیدها و فرصتها، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸؛ فراتی، عبدالوهاب (به اهتمام)، روحانیت و انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹؛ میرخلیلی، سیدجواد (به کوشش)، روحانیت و انقلاب اسلامی (نشستها و گفتگوها)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹؛ و مجموعه های از گفتگوهای بسیار سودمند در این زمینه را در این نشریه میتوان یافت: خط، دو ماهنامه علمی - فرهنگی خانه طلاب جوان (بیعت مهر، ویزه نامه سالروز سفر رهبر معظم انقلاب به قم)، مهر و آبان ۱۳۹۰، شماره ۴. مجموعه مصوبات شورای عالی حوزه علمیه قم که مهمترین سند حکایتگر دغدغه ها و سیر تحول حوزه علمیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به این سوست در پایگاه اطلاع رسانی این شورا به نشانی زیر در دسترس است:

دخالت حوزه به‌عنوان یک نهاد مستقل و به صورت رسمی تا کنون در سیاست‌گذاری‌های کشور چندان پررنگ نبوده است .

• کم بودن تجربه کار جمعی در حوزه و واگرا بودن تلاش‌های فردی یا سازمانی و ضرورت تدوین یک ساز و کار معین در این زمینه

• ظرافت‌های تعامل با علماء و فضلاء حوزه

• پیامدهای منفی و دشواری‌های اجرایی تعدد و تکثر دیدگاه‌ها در مبانی دینی و ضرورت وحدت نظر در آن دسته از مبانی دینی و آموزه‌های اسلامی که قرار است منشأ سیاست‌ها و برنامه‌های نظام قرار گیرد.

بر این اساس به نظر میرسد برای تجمیع تلاش‌های حوزه ای همسو با سیاست‌های مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تضمین نقش‌آفرینی مؤثر و سنجیده در تدوین این الگو، بهتر آن است که در کنار فراهم آوردن زمینه برای حضور حوزه ای‌ها در مراحل مختلف تدوین الگو، یک معاونت یا دبیرخانه وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید تأسیس شود تا بتواند با ایجاد ارتباط با همه افراد و نهادهای حوزه از ظرفیت‌ها و توانایی‌ها و قابلیت‌های آن‌ها برای تدوین الگو بهره‌برد. اجرایی شدن این پیشنهاد نیازمند عزم مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به ویژه فضلاء عضو شورای مرکزی الگو از یک سو و عزم بزرگان و دست‌اندرکاران حوزه از سوی دیگر است .

## منابع

۱. -----، تشخیص مصلحت نظام (کلیات، سوابق و عملکرد)، تهیه و تدوین روابط عمومی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران: اداره کل ارتباطات دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، چ ۱، ۱۳۸۱.
۲. -----، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، دفتر اقتصاد کلان، مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۸۳.
۳. -----، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱، ۱۳۶۸.
۴. -----، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹-۱۳۸۳، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۹.
۵. ابطحی، سید مصطفی، توسعه؛ ابهام مفهومی، مبانی معرفتی و الگوی دینی و بومی، در راهبرد یاس، فصلنامه پژوهشی مؤسسه فرهنگی یاس، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۴.
۶. ارسطا، محمدجواد، تشخیص مصلحت نظام از دیدگاه فقهی - حقوقی، (برای کانون اندیشه جوان)، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰.
۷. افتخاری، اصغر، مصلحت و سیاست؛ رویکردی اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴.
۸. رضائی میرفاندد، محسن، چشم انداز ایران فردا، تهران: اندیکا، ۱۳۸۴.
۹. ناصر خسرو قبادیانی مروزی، سفرنامه، تهران: زوار، چ ۷، ۱۳۸۱.